

# بررسی تطبیقی نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی: تعریف متغیرهای کیفی برای انتخابات

رضا زیرائی<sup>۱</sup>، امیر زارعی<sup>۲\*</sup>، سید مجتبا واعظی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، شیراز، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور مرکز تهران، تهران، ایران
۳. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

پذیرش: ۹۱/۹/۲۹

دریافت: ۹۱/۶/۲۸

## چکیده

قوانین انتخاباتی و نظام‌های انتخاباتی دو مفهوم متمایز از یکدیگرند؛ چه قوانین انتخاباتی تنها یکی از عوامل تکوین و انتظام هر نظام انتخاباتی است، هرچند که مهم‌ترین آن‌ها است. کسب پیروزی در هر رقابت انتخاباتی از رهگذر تفوق عددی و به بیان دیگر، متغیرهای کمی سامان می‌یابد. با این همه، برخی نظام‌های انتخاباتی، بسته به عوامل متعدد سیاسی – به طور مشخص نظام رأی‌دهی ترجیحی که انگیزه اولیه طراحان آن حفظ حقوق اقلیت در جوامع چند قومیتی بوده است – موفق به تزریق متغیرهای معین کیفی در نفس انتخابات و نتیجه نهایی شده‌اند. به بیان دیگر، سازوکارهایی در این دستگاه‌های انتخاباتی پیش‌بینی شده است که صرف تفوق عددی یک نامزد یا حزب مفروض، منجر به تعیین نتیجه نهایی و لاجرم حذف دیگر نامزد ها و احزاب از گردونه رقابت انتخاباتی نمی‌گردد. این مقاله ضمن بررسی تطبیقی نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی در مقایسه با نظام‌های رأی‌دهی اکثریتی، بر آن است که می‌توان از طریق روش پژوهش همبستگی اثبات کرد که در نظام رأی‌دهی ترجیحی،

هیچ‌گونه رابطه همبستگی میان تعداد آرای مأخوذ و پیروزی در انتخابات وجود ندارد و همین امر موجب تکثر هرچه بیش‌تر در جوانب مختلف انتخابات خواهد شد. صرف‌نظر از معایب، نظام رأی‌دهی ترجیحی در مقایسه با دیگر نظام‌های انتخاباتی، از جمله نظام رأی‌دهی اکثریتی، سازوکارهای دقیق‌تری برای ایجاد بسترهای حقوقی انعکاس حداکثری سلیق انتخاباتی رأی‌دهندگان فراهم می‌آورد. منظور از واژه‌های دستگاه، نظام و شیوه، همان سیستم است.

کلیدواژگان: نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی، اولویت‌بندی داوطلبان، برگه رأی، استرالیا

## ۱. بازآزمایی نظام‌های مستقر انتخاباتی

بررسی نظام‌ها و شیوه‌های انتخاباتی در دنیا، نشان‌دهنده تنوع قابل توجه آن‌ها است. منظور از شیوه‌های انتخاباتی، قواعدی است که چگونگی اخذ آرا، تعیین نتایج و نهایتاً اعلام برندگان انتخابات را مشخص می‌سازد؛ مسائلی که به‌طور مشخص مربوط به حوزه مطالعاتی موسوم به نظام‌های انتخاباتی است. در نوشته پیش رو، برشماری وجوه ویژه و متمایز کارکردهای سیستماتیک دستگاه‌های معین انتخاباتی، از رهگذار تبیین قوانین و قواعد مربوط به نفس انتخابات فراهم آمده است. برای تحلیل و طبقه‌بندی دستگاه‌های انتخاباتی، ابزارهای روش‌شناسیک بسیاری وجود دارد که از آن میان، شیوه استاندارد طبقه‌بندی نظام‌های انتخاباتی بر مبنای کیفیت تعیین نسبت آرا (در هر نظام مفروض انتخاباتی، چه نسبتی از آرای مأخوذ برای تحصیل و اعلام نتیجه نهایی انتخابات محاسبه می‌شود) ابزار مناسبی برای پژوهش حاضر است. با استفاده از این روش، دست‌کم دوازده فرمول اصلی برای انتخابات به دست می‌آید [۱، ص ۵۵] که تقریباً می‌توان همه آن‌ها را در سه خانواده عمده نظام‌های اکثریتی، نظام‌های نمایندگی تناسبی و نظام‌های مختلط گروه‌بندی کرد.

اساساً اگر کارکرد نهاد انتخابات را تحصیل نتایج کمی تعیین‌گر بدانیم، در نخستین نگاه، شاید دلخواه‌ترین سیستم انتخاباتی آن است که متضمن کم‌ترین متغیرهای کیفی -

بالقوه مناقشه‌برانگیز - باشد؛ چنان که در نهایت امر، قطعی‌ترین و متعین‌ترین زنجیره کمی شکلی - کارکردی را به دست دهد. از سوی دیگر، می‌توان شیوه‌ای را در نظر آورد که در عین دخل و تصرف سیستماتیک در نتایج نهایی سراسر است و کمی بنیاد هر نظام مفروض انتخاباتی مبتنی بر گزینش از طریق اعداد، کیفیت تأثیرگذاری تزریق متغیرهای کیفی در آن نظام نیز قابل بازآزمایی باشد و در همان حال، نشانه‌گیری دقیق تحصیل نتایج کمی - که البته مقتضای ذات هر دستگاه انتخاباتی است - مختل نگردد؛ پیشنهادی که دسترس‌پذیر که جاگیری کیفی انتخاب‌شوندگان و برگردان کیفی علایق انتخاب‌کنندگان در پیکارهای انتخاباتی را با ترجمه به زبان اعداد، کارسازی کند. پژوهش حاضر بر این فرضیه استوار است که با ثابت نگاه داشتن همه متغیرهای کمی کامل [۲، ص ۱۹]، می‌توان طیف معینی از متغیرهای کیفی را در یک نظام انتخاباتی مفروض تزریق کرد، آن‌چنان‌که همان متغیرهای کیفی، تبدیل به متغیرهای کمی کامل شوند.

می‌گویند شناخته‌شده‌ترین دستگاهی که موفق به تزریق طیف معینی از متغیرهای کیفی در نهاد انتخابات شده، نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی است که به گفته بعضی از نویسندگان [۳، ص ۴۳۵-۴۷۴] با تمسک به چارچوب نظریه عدم قطعیت در فرایندهای انتخاباتی، این ادعا قابل بازآزمایی است. روی هم رفته، آزمایش فرضیات پژوهش حاضر بر سازوکارهای نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی استوار گردیده است.

اشکال متنوعی از نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها رأی بدیل<sup>۱</sup> و تکراری قابل انتقال<sup>۲</sup>، رأی جمعی، رأی محدود و فهرست باز است که اصلی‌ترین آن‌ها روش رأی بدیل و تکراری قابل انتقال است. به علت تفاوت‌های عمده دو دستگاه اخیر، آن‌ها را در گروه‌های مجزا و مستقلی موسوم به خانواده‌های انتخاباتی طبقه‌بندی می‌کنند و مضافاً بنا به اجماع نویسندگان حقوق انتخابات، شیوه رأی بدیل جزء خانواده نظام‌های اکثریتی و تکراری قابل انتقال جزء نظام‌های نمایندگی تناسبی است [۴، ص ۸۱]. با این همه، تمام اشکال نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی در یک

1. alternative vote  
2. single transferable voting

ویژگی مشترکند. در این نظام‌ها، برگه رأی به گونه‌ای طراحی می‌شود که در مقابل نام هر داوطلب یا حزب، یک جای خالی برای شماره‌گذاری وجود دارد و رأی‌دهنده نیز با شماره‌گذاری داوطلبان در برگه‌های رأی، ایشان را اولویت‌بندی می‌کند. از آنجا که همیشه این احتمال وجود دارد که محبوب‌ترین داوطلب برای رأی‌دهنده (یعنی همان نامزدی که عدد «۱» یا همان اولویت نخست رأی‌دهنده را کسب کرده است) از گردهنانه رقابت حذف شود، این امکان برای رأی‌دهنده وجود دارد که با اولویت‌بندی مدرج نامزدهای شرکت‌کننده، کیفیت انتخاب نهایی از میان داوطلبان باقیمانده را معین کند. بنابراین، اگرچه عینیت یافتن فرمول‌های انتخاباتی در سه شاخه نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط را به‌درستی باید براساس سازوکارهای مرحله سوم هر نوع انتخابات عمومی<sup>۱</sup> تحلیل کرد، لکن کیفیت طبقه‌بندی دستگاه‌های رأی‌دهی ترجیحی، از رهگذر کارکردهای نهفته در طراحی خاص برگه رأی و اساساً قابلیت‌های منبعث از امکان اولویت‌بندی نامزدها قابل فهم خواهد بود.

هر دو شیوه رأی بدیل و تکراری قابل انتقال در پاره‌ای از کشورهای دنیا محل استفاده است. با این حال، اگر بپذیریم که در فرض مساوی بودن سایر شرایط، پیچیدگی یک ارزش فرمال است، تجربه استرالیایی آن حائز بیش‌ترین اهمیت است؛ چرا که به‌عنوان پیچیده‌ترین مدل نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی در دنیا شمرده می‌شود [۵، ص ۱۲۴]. شیوه‌های رأی بدیل و تکراری قابل انتقال، به ترتیب برای انتخاب مجلس نمایندگان و مجلس سنای استرالیا استفاده می‌شود که هر دو را در چارچوب روش‌شناسی پژوهش حاضر توضیح خواهیم داد.

---

۱. در هر نوع سیستم انتخاباتی سه مرحله وجود دارد. مرحله اول شامل اعلام فراخوان برگزاری و تاریخ ثبت‌نام داوطلبان و رأی‌دهندگان، اعلام شرایط رأی‌دهندگان واجد صلاحیت؛ مرحله دوم تبلیغات و مبارزات انتخاباتی، شرایط حضور و فعالیت احزاب و نامزدها و کنترل آثار اجتماعی متأثر از برگزاری انتخابات؛ و مرحله سوم شامل نحوه أخذ و کیفیت شمارش آرا، تعیین تفکیک و یا اجتماع حوزه‌های انتخابیه (یعنی رابطه آرا به نسبت کرسی‌های انتخاباتی) و نهایتاً اعلام نتیجه انتخابات است.

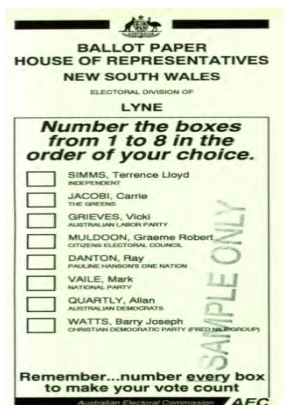
## ۲. رأی بدیل

### ۲-۱. رأی‌دهی ترجیحی کامل

در استرالیا دو گونه رأی بدیل یا همان رأی‌دهی ترجیحی (به معنای اخص) وجود دارد: رأی‌دهی ترجیحی کامل و رأی‌دهی ترجیحی اختیاری. شیوه رأی‌دهی ترجیحی کامل<sup>۱</sup> برای انتخابات مجلس فدرال نمایندگان استرالیا استفاده می‌شود. در این شیوه، از هر حوزه انتخابیه فقط یک نماینده انتخاب می‌شود. با وجود آن‌که در این روش نیز می‌توان امکان انتخاب حتی بیش از یک نماینده از هر حوزه انتخابیه را فراهم آورد، لکن از آن‌جا که در انتخابات مجلس سنای استرالیا به‌ویژه بین سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۱۹ [۱، ص ۳۴] نتایج ناعادلانه و به‌شدت غیرمتناسب به بار می‌آمد، این گزینه متروک گردید. به همین علت، از این فرمول انتخاباتی تنها در مواردی استفاده می‌شود که باید فقط یکی از داوطلبان برگزیده شود. از آن‌جا که داوطلبان انتخابات در هر ایالت متفاوت هستند، فرایند شمارش و اعلام نتایج انتخابات نیز مستقل از دیگر ایالات است و به همین دلیل، حوزه‌های انتخابیه را مجزا از یکدیگر محاسبه می‌کنند. در این روش، اسامی داوطلبان به صورت ستون عمودی در برگه رأی درج می‌شود. مقابل اسامی داوطلبان، یک جای خالی برای درج اولویت‌های مدنظر رأی‌دهنده تعبیه شده که رأی‌دهنده باید در جای خالی، اولویت داوطلب را شماره‌گذاری کند. رأی‌دهنده باید همه داوطلبان مندرج در برگه رأی را شماره‌گذاری کند تا هیچ جای خالی در برگه باقی نماند. تعداد داوطلبان انتخابات در هر ایالت متفاوت است و به همین دلیل، مندرجات برگه رأی که در واقع، همان اسامی داوطلبان و احزاب برای هر ایالت است، متفاوت خواهد بود. اگر داوطلبی در بیش از پنجاه درصد برگه‌ها، شماره ۱ (اولویت نخست) را کسب کند، حائز اکثریت مطلق آرا خواهد بود و به‌عنوان داوطلب منتخب اعلام می‌شود. چون از هر حوزه انتخابیه تنها یک نماینده باید انتخاب شود، تعداد رأی‌دهندگان و داوطلبان شرکت‌کننده برای تعیین نتیجه نهایی فاقد اهمیت تعیین‌کننده است. در صورتی که داوطلب منتخب طی یک بار شمارش آرا به‌عنوان

1. full preferential voting

نماینده انتخاب شود، شمردن آرا به‌عنوان شمارش واحد شناخته می‌شود، بدین معنا که یکی از داوطلبان در اولین مرحله شمارش آرا، بیش از پنجاه درصد اولویت‌های نخست (اکثریت مطلق اولویت‌های نخست) را کسب کرده است. با این حال، سوابق انتخابات در استرالیا نشان می‌دهد که در اکثر موارد، هیچ داوطلبی در دور نخست شمارش آرا، حائز کسب بیش از پنجاه درصد اولویت‌های نخست نمی‌شود [۶، ص ۲-۴]. در این صورت، داوطلبی که پایین‌ترین آرا را کسب کرده، از شمارش آرا حذف شده، آرای داده شده به او، براساس اولویت‌های دوم به بعد علامت زده شده در برگه رأی داوطلب محذوف، به دیگر داوطلبان باقیمانده انتقال می‌یابد. بنابراین، پس از پایان اولین دور شمارش آرا، داوطلبی که کم‌ترین اولویت را کسب کرده است، از فرایند شمارش آرا حذف می‌شود و در همان مرحله اول شمارش آرا، اولویت‌های دوم علامت‌گذاری شده مربوط به داوطلب محذوف، به‌عنوان اولویت اول به داوطلبان باقیمانده (به‌طور مشخص به همان داوطلب انتخاب شده در برگه رأی به‌عنوان اولویت دوم) انتقال می‌یابد. در صورتی که همچنان هیچ داوطلبی حائز بیش از نصف آرا نباشد، داوطلبان باقیمانده نیز به همین ترتیب تدریجاً یکی پس از دیگری از گردونه شمارش آرا حذف می‌شوند. اولویت‌های دوم به بعد هر داوطلب محذوف تا زمانی که یکی از داوطلبان نتواند اولویت‌های آرای مأخوذ را کسب کند، به دیگر داوطلبان انتقال می‌یابد (شکل شماره ۱). داوطلبی که مترصد پیروزی در انتخابات مجلس نمایندگان استرالیا باشد، کافی است که فقط بیش از پنجاه درصد اولویت‌های نخست و یا ترکیبی از اولویت‌های نخست اکتسابی خود به‌علاوه اولویت‌های اکتسابی سایر داوطلبان را به دست آورد. درست از همین‌جا نظام رأی‌دهی ترجیحی، معضلات معتناهی را برای احزاب کوچک به وجود می‌آورد.



شکل ۱ نمونه برگه رأی در شیوه رأی‌دهی ترجیحی کامل  
(منبع: وبگاه رسمی کمیسیون انتخابات استرالیا)<sup>۱</sup>

رأی‌دهی ترجیحی - اعم از کامل و اختیاری - به علت اهمیت تعیین‌کننده مقدار آرای لازم برای کسب کرسی‌های پارلمانی، برتری نامتناسبی را به نفع احزاب اصلی در هر نظام سیاسی به بار خواهد آورد. در این شیوه رأی‌دهی، گاه وضعیتی به وجود می‌آید که یک حزب کوچک، بخت پیروزی را در انتخابات داشته باشد، اما داوطلبان متبوع آن حزب به‌طور ثابت در انتخابات شکست می‌خورند. به همین علت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های طراحان نظام رأی‌دهی مجلس نمایندگان استرالیا، فراهم آوردن بخت بیشتری برای پیروزی احزاب کوچک‌تر است. داوطلبان باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا از گردونه متوالی شمارش آرا حذف نشوند؛ زیرا هرچه در مراحل جلوتری از شمارش آرا حضور داشته باشند، شانس بیشتری برای پیروزی خواهند داشت. پیروزی احزاب کوچک در انتخابات نیز منوط به حضور داوطلبان متبوع آن‌ها در شمارش نهایی آرا است؛ لکن شواهد آماری نشان می‌دهد که داوطلبان احزاب کوچک حتی توان کسب

۱. آمار و اطلاعات مربوط به ادوار انتخابات استرالیا در وبگاه رسمی کمیسیون انتخابات استرالیا به این نشانی قابل دسترسی است: <http://www.aec.gov.au>

یک‌چهارم اولویت‌های نخست در انتخابات مجلس نمایندگان استرالیا را ندارند و غالباً پیش از آخرین دور شمارش آرا حذف می‌شوند. به‌عکس، احزاب بزرگ حتی در بدترین شرایط - نظیر سال ۱۹۹۸ - نیز به‌طور متوسط رقم قابل اطمینان ۷۹/۸ درصد همه اولویت‌های نخست را کسب کرده‌اند [۷، ص ۱]. پرواضح است که چنین رقم درخور توجهی، فضای کمی را برای بقای سیاسی احزاب کوچک و مستقل باقی خواهد گذاشت. بنابراین، جدی‌ترین معضل استفاده از این روش، به‌ویژه به علت وجود شرط غیرقابل تخطی تفکیک حوزه‌های انتخابیه، حالتی است که گاه یکی از احزاب شرکت‌کننده در انتخابات، علیرغم کسب اکثریت مطلق اولویت‌های نخست در همه حوزه‌های انتخابیه (یعنی سراسر کشور) همچنان برای به چنگ آوردن دولت، ناکام می‌ماند.

فرض کنیم که یکی از احزاب، در تمام حوزه‌های انتخابیه مجزا از هم، یعنی در سراسر کشور، پنجاه درصد آرا (یا همان اولویت‌های نخست) را کسب کند. از آن‌جا که اولویت دوم به بعد مستخرج از اوراق آرای داوطلبان محذوف، به‌عنوان اولویت اول به داوطلبان وابسته به دیگر احزاب و گروه‌ها انتقال می‌یابد، حزب فرضی ما نمی‌تواند پنجاه درصد از کرسی‌های پارلمانی را اشغال کند. چون در این شیوه، شمارش آرا و اعلام نتیجه نهایی برای هر حوزه انتخابیه به صورت مجزا و مستقل انجام و اعلام می‌شود، کسب اکثریت آرا در سراسر کشور، فاقد تأثیر مستقیم در نتیجه نهایی انتخابات خواهد بود. پر واضح است که منظور از نتیجه نهایی، در حقیقت، همان کسب کرسی‌های پارلمانی در حوزه‌های انتخابیه است.

از آن‌جا که فرایند انتخابات در استرالیا نسبتاً پیچیده است، احزاب سیاسی برای پیروزی در انتخابات درصدد راهنمایی و حتی کنترل رأی‌دهندگان برآمده‌اند. احزاب در فرصت چند روز مانده به برگزاری انتخابات، برنامه‌های مفصلی را با هدف هدایت اولویت‌های رأی‌دهندگان، طراحی و ترتیب می‌دهند. در استرالیا کارت‌هایی موسوم به «چگونه رأی دهیم»<sup>۱</sup> وجود دارد که آن را می‌توان شاهد برجسته فعالیت‌هایی از این دست دانست. احزاب نه‌تنها از رأی‌دهندگان می‌خواهند که همه جاهای خالی برگه‌های

---

1. How-to Vote Cards



رأی را پر کنند، بلکه تمام تلاش خود را به کار می‌برند تا رأی‌دهندگان از گزینه‌های مدنظر آن‌ها در روز رأی‌گیری پیروی کنند.

## ۲-۲. رأی‌دهی ترجیحی اختیاری

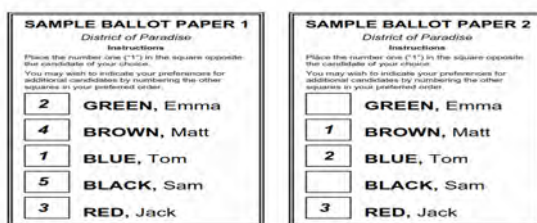
شیوه رأی‌دهی ترجیحی اختیاری،<sup>۱</sup> نوع محدود شده رأی‌دهی ترجیحی کامل است که از سال ۱۹۹۲ تا به امروز در انتخابات مجلس ایالتی کوینزلند (و همین طور ایالت نیوساوت ولز) استرالیا استفاده می‌شود. شیوه اخیر به این ترتیب است که اگر نام دو تا سه داوطلب در برگه رأی درج شده باشد، رأی‌دهنده باید اولویت‌های تمام داوطلبان را شماره‌گذاری کند. اما اگر تعداد داوطلبان بیش از سه نفر باشد، رأی‌دهنده مختار است که به تعداد مدنظر خود، داوطلبان را اولویت‌بندی کند. در رأی‌دهی ترجیحی اختیاری، برخلاف مدل رأی‌دهی ترجیحی کامل، این امکان برای هر رأی‌دهنده وجود دارد که یک یا چند داوطلب را در برگه رأی اولویت‌بندی نکند؛ گزینه‌ای که در استرالیا به آن «پروارکردن»<sup>۲</sup> می‌گویند. از طرف دیگر، انتخاب‌کنندگان می‌توانند همه داوطلبان مندرج در برگه رأی را اولویت‌بندی کنند. درست مثل رأی‌دهی ترجیحی کامل، روش تقسیم اولویت‌ها در مدل رأی‌دهی ترجیحی اختیاری نیز همانند مدل رأی‌دهی ترجیحی کامل است. بنابراین، هنگامی که یک برگه رأی معین پس از چندین دور شمارش، خالی از اولویت قابل تقسیم می‌شود، آن برگه را به‌عنوان برگه رأی خالی شده اعلام و از گردونه شمارش آرا خارج می‌کنند (شکل شماره ۲).

برخلاف مدل رأی‌دهی ترجیحی کامل که داوطلب پیروز، خواه ناخواه کسی است که اکثریت مطلق آرا را کسب می‌کند، در شیوه رأی‌دهی ترجیحی اختیاری، همواره احتمال دارد داوطلبی که اکثریت مطلق اولویت‌بندی رأی‌دهندگان را کسب نکرده است، به‌عنوان برنده انتخابات اعلام شود. علت آن است که بعضی از اوراق آرا پس از چندین دور

---

1. optional preferential voting  
2. plumping

شمارش، فاقد اولویت قابل تقسیم شده، به‌عنوان برگه رأی خالی‌شده اعلام و از گردونه شمارش آرا حذف می‌شوند. از آن‌جا که در این روش ممکن است پیش از آن‌که داوطلب پیروز، پنجاه درصد به‌علاوه یک آرا را به دست آورد و از همین روی هیچ اولویت قابل تقسیمی باقی نماند، چنین وضعیت عجیبی به وجود می‌آید. این در حالی است که در رأی‌دهی ترجیحی کامل، حدوث چنین فرضی غیرممکن است؛ چه در روش اخیر، رأی‌دهندگان مجبورند تمام نامزدهای مندرج در برگه رأی را اولویت‌بندی کنند. ممکن است این سؤال پیش آید که چنین احتمال و امکانی در شیوه رأی‌دهی ترجیحی اختیاری، تحصیل اکثریت مطلق آرا را که در شیوه رأی‌دهی ترجیحی کامل، امری آشکار و حتمی است، تحت‌الشعاع قرار داده، از اهمیت آن می‌کاهد. از سوی دیگر، احزاب از طرفداران خود می‌خواهند که فقط به اولویت‌های نخست رأی دهند. به بیان دیگر، رأی‌دهندگان باید اولویت نخست را به داوطلبان متبوع حزب داده، اولویت‌بندی دیگر داوطلبان را (که به‌طور منطقی اولویت‌های دوم به بعد خواهند بود) رها کنند. کمیسیون انتخابات ایالت کوینزلند پس از بررسی برگه‌های انتخابات سراسری سال ۲۰۰۹ اعلام کرد که تقریباً ۶۳/۳ درصد همه برگه‌های رأی، حاوی فقط عدد «۱» بوده است [۸، ص ۲]. ناگفته پیداست که وجه همت احزاب، کاستن از تأثیر تبادل آرا و در نتیجه، رفع کردن امکان تقسیم اولویت‌های اعلامی رأی‌دهندگان میان نامزدهای دیگر احزاب و گروه‌ها خواهد بود. شاید به نظر برسد که احتمال وقوع چنین وضعی، اصل آزادی رأی‌دهندگان برای انتخاب اولویت‌های‌شان را مختل می‌کند. اما آنچه در فرهنگ سیاسی استرالیا جریان دارد، نشان‌دهنده رضایت اکثریت رأی‌دهندگان برای پذیرش رهنمودها و حتی دستوردهی احزاب است. از همین روی، کمیسیون انتخابات استرالیا همچنان برای استفاده از رأی‌دهی ترجیحی اختیاری و به بیان دیگر، جایگزین کردن آن با رأی‌دهی ترجیحی کامل در سطح فدرال، متقاعد نشده است [۹، ص ۷۹].



شکل ۲ نمونه برگه رأی در روش رأی‌دهی ترجیحی اختیاری  
منبع: وبگاه رسمی کمیسیون انتخابات ایالت کوینزلند

### ۳. نمایندگی تناسبی

#### ۳-۱. بررسی موردی تک رأی قابل انتقال

هدف غایی ابداع نظام‌های نمایندگی تناسبی<sup>۱</sup> آن است که احزاب سیاسی، قطع نظر از مقدار آرای اکتسابی در انتخابات، امکان کسب تعداد معینی از کرسی‌های پارلمانی (پارلمان به معنای فراخ آن) را داشته باشند. وضعیت آرمانی قابل تصور در این نظام آن است که کسب پنجاه درصد مجموع آرا منجر به کسب (حدوداً) پنجاه درصد کرسی‌های پارلمانی شود - و این همان چیزی است که در این نظام اتفاق نخواهد افتاد. احتمالاً مهم‌ترین گونه نظام‌های نمایندگی تناسبی، شیوه رأی‌دهی تکراری قابل انتقال است که برجسته‌ترین نمونه آن را می‌توان در انتخابات مجلس سنای استرالیا سراغ گرفت [۱۰، ص ۱۴۳]. استرالیا از سال ۱۹۴۸ به این سو از شیوه تکراری قابل انتقال برای انتخابات فدرال مجلس سنا استفاده کرده است. علاوه بر سنای استرالیا، از این شیوه در انتخابات مجلس تاسمانی، مجلس قانونگذاری منطقه مرکزی استرالیا، مجلس نمایندگان جمهوری مالت، مجلس نمایندگان جمهوری ایرلند، انتخابات محلی در ایرلند شمالی، انتخابات پارلمان اروپا و انتخابات محلی در اسکاتلند [۱، ص ۸۸] استفاده می‌شود.

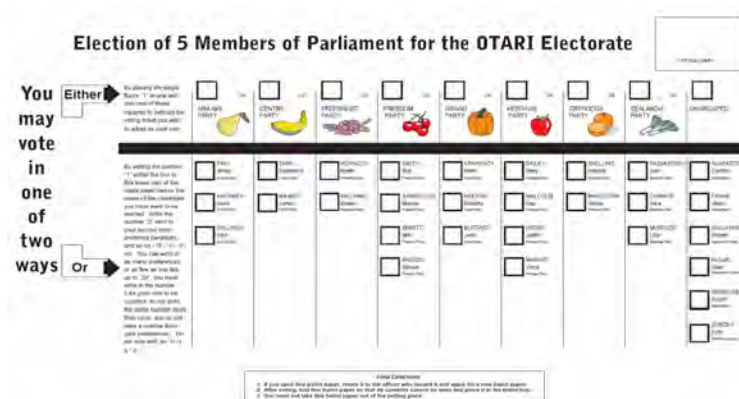
مهم‌ترین نکته نظام‌های انتخاباتی مبتنی بر نمایندگی تناسبی، روش شمارش آرا است

1. proportional representation system

که به اقرار بسیاری از نویسندگان، بسیار پیچیده است [۱۱، ص ۵]. در انتخابات مجلس سنای استرالیا که از شیوه تکراری قابل انتقال استفاده می‌شود، از هر حوزه انتخابیه مستقل، بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود؛ بدین ترتیب که در انتخابات میان‌دوره‌ای سنا که منحصر به انتخاب نمایندگان مجلس سنا است، از هر ایالت، شش سناتور و از هر منطقه دو سناتور انتخاب می‌شود. در انتخابات دوره‌ای که متعاقب انحلال مجلسین برگزار می‌شود، از هر ایالت دوازده سناتور و از هر منطقه دو سناتور انتخاب می‌شود که چگونگی آرایش‌بندی حوزه‌های انتخابیه، بسته به تعداد سناتورهای محل انتخاب خواهد بود.

### ۳-۱-۱. ساختار ویژه برگه رأی

برای برگزاری انتخابات فدرال مجلس سنای استرالیا به شیوه نظام تکراری قابل انتقال، برگه رأی طوری طراحی شده است که در میانه آن، یک خط ممتد افقی کشیده می‌شود که بالای آن، چند ردیف عمودی وجود دارد و در هر ردیف فوقانی خط ممتد، نام احزاب و گروه‌ها درج و در مقابل هر گزینه، یک مربع خالی قرار دارد. ترتیب استقرار جایگاه اسامی احزاب و گروه‌ها در برگه رأی نیز به قید قرعه تعیین می‌شود. زیر خط ممتد و ذیل نام هر گروه یا حزب مربوط، اسامی داوطلبان متبوع احزاب به صورت ستون‌های عمودی مجزا درج می‌شود. در انتها الیه سمت راست برگه رأی و زیر خط ممتد، اسامی داوطلبان مستقل و گروه‌بندی نشده به صورت عمودی درج می‌شود. هر رأی‌دهنده باید از میان فهرست بالا یا زیر خط ممتد، تنها یکی را انتخاب کند. اگر رأی‌دهنده، فهرست بالای خط ممتد را انتخاب کند، برگه رأی اصطلاحاً حاوی رأی بالای خط محسوب می‌شود. در این حالت، رأی‌دهنده فقط باید عدد ۱ را در یکی از جاهای خالی علامتگذاری و دیگر گزینه‌ها را خالی رها کند (شکل شماره ۳).



شکل ۳ نمونه برگه رأی در شیوه رأی‌دهی تکراری قابل انتقال

در همین حال، احزاب شرکت‌کننده در انتخابات، فهرستی مشتمل بر کیفیت رتبه‌بندی مرجح مدنظر حزب را (که در حقیقت همان گروه‌بندی داوطلبان براساس نظر حزب است) تهیه و به کمیسیون انتخابات استرالیا تقدیم می‌کنند. کمیسیون نیز فهرست‌های تسلیمی را در همه اماکن اخذ آرا الصاق می‌کند. درج علامت در بالای خط ممتد در برگه رأی، به این معنا است که رأی‌دهنده به اسامی داوطلبان براساس فهرست انتخاباتی مرجح مدنظر حزب رأی داده است و تبعاً در هنگام شمارش آرا نیز تخصیص اولویت‌های داوطلبان براساس رتبه‌بندی مندرج در فهرست ابرازی حزب مربوط به عمل خواهد آمد.

همان طور که گفته شد، اگر رأی‌دهنده برای شرکت در انتخابات از گزینه زیر خط ممتد استفاده کند، برگه رأی به‌عنوان رأی زیر خط شناخته خواهد شد. در صورتی که رأی‌دهنده این گزینه را انتخاب کند، باید همه جاهای خالی را با شروع عدد یک تا آخرین داوطلب شماره‌گذاری کند، به طوری که همه داوطلبان مندرج در برگه رأی، حائز اولویت‌بندی مدنظر رأی‌دهنده شوند؛ اما در صورتی که انتخاب داوطلبان مستقل یا اصطلاحاً «گروه‌بندی نشده» مدنظر رأی‌دهنده باشد، او فقط می‌تواند از گزینه

زیرخط ممتد استفاده کند.

داوطلبی که سودای پیروزی در انتخابات مجلس سنا را در سر می‌پروراند، باید مقدار معینی از آرا را کسب کند که از آن به‌عنوان شاخص نام برده می‌شود. برای محاسبه شاخص، مجموع آرای مأخوذ رسمی را بر تعداد داوطلبانی که باید انتخاب شوند، تقسیم و عدد به دست آمده را با عدد ۱ جمع می‌کنند این فرمول به شاخص دروپ<sup>۱</sup> موسوم است (رابطه شماره ۱). عدد به دست آمده برابر با مقدار لازم برای پیروزی در انتخابات سنا است که بسته به تعداد سناتورهایی که باید برای مجلس سنا انتخاب شوند، تغییر می‌کند. پس از آن‌که اولویت‌های نخست محصل هر داوطلب شمرده شد، داوطلبی که شاخص مقرر را کسب کند، به‌عنوان داوطلب برنده، اعلام و از گردونه شمارش آرا خارج می‌شود.

از سوی دیگر، همواره این امکان وجود دارد که داوطلبی که براساس شاخص، برنده محسوب است، مقدار آرای بیش‌تری کسب کرده باشد. چنین آرای به‌عنوان آرای مازاد از شاخص در نظر گرفته می‌شود. در این صورت، مقدار آرای مازاد داوطلب برنده براساس اولویت‌های دوم به بعد اکتسابی او، به دیگر داوطلبان باقیمانده انتقال می‌یابد. معضل اساسی که در این حالت به وجود می‌آید، تعیین دقیق تعداد آرای مازادی است که به دیگر داوطلبان انتقال یافته است. اهمیت فوق‌العاده این امر در این شیوه از آن‌جا است که دقیقاً همین آرای مازاد بخت پیروزی برای دیگر داوطلبان را به ارمغان خواهد آورد. از آن‌جا که از یک سو، تعیین آرای که واقعاً منجر به انتخاب داوطلب پیروز شده و از سوی دیگر، تعیین آرای مازاد انتقال یافته که موجب پیروزی یک داوطلب می‌شود غیرممکن است، به کارگیری روش خاصی برای محاسبه و تقسیم اولویت‌های توزیعی ضرورت می‌یابد. برای سال‌های بسیاری، انتقال آرای مازاد در مجلس سنای استرالیا براساس شیوه‌ای موسوم به انتقال تناوبی آرا انجام می‌شد. با استفاده از یک مثال، شیوه انتقال تناوبی آرا را توضیح

---

1. Droop quota

می‌دهیم.

$$+۱ = \frac{\text{آرای مأخوذ} + ۱}{\text{کرسی‌های انتخاباتی} + ۱} = \text{شاخص}$$

رابطه ۱ شاخص دروپ

وضعیتی را فرض کنید که داوطلب پیروز، ۲۰۰ اولویت نخست را کسب کرده است و شاخص محاسبه شده ۱۸۰ باشد. واضح است که داوطلب ما ۲۰ رأی مازاد کسب کرده است. براساس قاعده بازتوزیع آرا در شیوه تکراری قابل انتقال، این ۲۰ رأی مازاد به داوطلبانی که اولویت دوم به بعد را در برگه‌های رأی داوطلب مورد نظر کسب کرده‌اند، بازتوزیع و اختصاص می‌یابد. مشکل اساسی که در این‌جا به وجود می‌آید، انتخاب نمونه ۲۰ تایی از میان ۲۰۰ برگه رأی که داوطلب پیروز کسب کرده و سپس اختصاص ۲۰ رأی مازاد به اولویت‌های دوم به بعد است. مسأله این است که برای انتخاب این نمونه ۲۰ تایی گزینه‌های تقریباً بی‌انتهایی وجود دارد که به تبع آن، نتایج حاصل نیز تقریباً بی‌نهایت است. به همین دلیل برای به حداقل رساندن خطای نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری تناوبی که نوعی نمونه‌گیری سیستماتیک است [۱۲، ص ۳۹۶] استفاده می‌شود. با این همه، مشکل بالقوه همچنان لاینحل باقی خواهد ماند.

واقعیت این است که استفاده از روش انتقال تناوبی آرا بخصوص در یک مبارزه انتخاباتی فشرده، منجر به انتخاب نمونه‌های متفاوتی می‌شود و همین انتخاب نمونه‌های متفاوت، منجر به حصول نتایج متفاوتی خواهد شد. از همین رو، روش ساده‌تر و منصفانه‌تری که کم‌تر محل مناقشه است، ابداع گردید. ابتکار ابداعی از این قرار است که اولویت‌های دوم به بعد ثبت شده در برگه‌های رأی داوطلب برنده، شمرده شده، به ازای اولویت‌های دوم به بعد که از شمردن برگه‌های رأی داوطلب برنده به دست می‌آید، مقدار معینی (در مثال فوق ۲۰٪) را مطابق نتایج حاصل از

شمارش آرا، به دیگر داوطلبان اختصاص می‌دهند. تخصیص مقدار فوق اصطلاحاً به‌عنوان ارزش انتقالی<sup>۱</sup> (رابطه شماره ۲) شناخته شده است. بعد از اعمال ارزش انتقالی، داوطلبی را خواهیم داشت که بر اثر اعمال ارزش انتقالی، صاحب آرای مازاد شده است. داوطلب فوق به‌عنوان برنده به مجلس سنا راه می‌یابد و آرای مازاد او منجر به ایجاد مقدار جدیدی برای ارزش انتقالی بعدی می‌شود.

$$\text{انتقال ارزش} = \frac{\text{پیروز داوطلب مازاد آرا}}{\text{پیروز داوطلب نخست اولویت}}$$

#### رابطه ۲

### ۲-۱-۳. اخراج داوطلبان برنده و توزیع اولویت‌های آنان

فرایند انتقال آرای مازاد داوطلبان پیروز تا آنجا که همه جایگاه‌های محل رقابت انتخاباتی اشغال شوند، به پیش خواهد رفت. بنابراین، قبل از آن‌که همه سکویهای انتخاباتی پر شود، تقسیم آرای مازاد، مگر به علت توقف شمارش آرا یا به علت عدم وجود آرای مازاد قابل توزیع ادامه خواهد یافت. داده‌های آماری نشان می‌دهد که در انتخابات مجلس سنای استرالیا، به احتمال بسیار قوی ترکیب اولویت‌های نخست به علاوه آرای مازاد، منجر به انتخاب زودهنگام پنج سناتور خواهد شد. [۱۳، ص ۸] جالب آن است که وقتی هیچ آرای مازادی برای بازتوزیع باقی نماند و در همان حال، یک یا چند کرسی نیز خالی باشد، ادامه مسیر انتخابات از طریق رأی بدیل ادامه خواهد یافت. داوطلبانی که حائز پایین‌ترین آرا (اولویت) هستند، به همان شیوه رأی بدیل از شمارش آرا حذف شده، اولویت‌های اکتسابی آن‌ها میان دیگر داوطلبان باقیمانده تقسیم خواهد شد. اما مسأله حائز اهمیت این است که مبنای محاسبه به منظور حذف و اخراج داوطلبان از گردونه شمارش آرا، مانند اختلاف ساده عددی در شیوه رأی بدیل نیست. درست است که پس از اتمام آرای مازاد، داوطلبان حائز کم‌ترین اولویت، از فرایند شمارش آرا حذف می‌شوند، اما مبنای محاسبه و شمارش

1. transfer value



اولویت‌ها براساس شاخص خاص شیوه تکراری قابل انتقال صورت می‌پذیرد. این فرایند را می‌توان نوعی چرخه بسته و در همان حال، کارآمد انتخاباتی دانست که تداومش در دو فرض قابل تصور است: نخست این‌که یکی از نامزدهای باقیمانده به کمک آرای مازاد، انتخاب و در نتیجه، آرای مازاد اکتسابی او میان دیگر داوطلبان تقسیم شود؛ دوم آن‌که هر کدام از نامزدهای باقیمانده باز هم به کمک آرای مازاد، برنده آخرین جایگاه و کرسی انتخاباتی شود. پر واضح است که در صورت حدوث فرض اخیر، شمارش آرا متوقف و جریان انتخابات خاتمه خواهد یافت. چنین وضعیتی را می‌توان نوعی چرخش تاکتیکی دانست که بدون تردید برای هر دو فرض بالا صادق است.

در اکثر مواردی که مجموع آرای اکتسابی داوطلبان محذوف بسیار اندک است، همواره این احتمال وجود دارد که برای رسیدن به مقطع اعلام برنده انتخابات، شمردن‌های بسیار زیادی لازم باشد. مثلاً نماینده منتخب ایالت ویکتوریا برای مجلس سنا در سال ۲۰۰۴ پس از دویست و هشتاد و پنج دور شمارش آرا انتخاب شد.

#### ۴. حذف تعیین‌کنندگی تفوق عددی آرای مأخوذ برای پیروزی در انتخابات

هرچند گفته شده است که فرمول ۵۱ در برابر ۴۹ (اکثریت مطلق) با دموکراسی آرمانی مطابقت ندارد، اما ادعا می‌شود که تجربه زیسته جوامع دموکراتیک ثابت کرده که معضلات ناشی از اکثریت-اقلیت در فرایند دموکراتیک حاکمیت قانون زدوده خواهد شد؛ چه اگر گروه‌های اقلیت بتوانند با ارائه دگرگذاشته‌های<sup>۱</sup> پیشنهادی خود، توجه جامعه را جلب کنند، آن‌ها نیز روزی بدل به اکثریت خواهند شد [۱۴، ص ۴]. اما ایراد جدی این فرمول آن‌جا است که در جامعه‌ای که از منظر بافت جمعیتی و قوم‌شناختی ناهمگن است، بالطبع گروه‌هایی وجود دارند که به ضرورت قَلّت

---

1. alternatives

عددی - صرفنظر از زمینه و یا علل آن - همواره در جناح اقلیت قرار می‌گیرند. چه باید کرد؟ بدیهی است که هیچ پاسخ سراسر است و جهانشمولی وجود ندارد، لکن با توجه به زمینه پژوهش حاضر، نظام رأی‌دهی ترجیحی مدعی است که با جرح و تعدیل در فرمول‌های انتخاباتی، همچون بازنگری در کاربست نظام‌های اکثریتی و اتکا به انواع خاصی از نظام‌های نمایندگی تناسبی - که البته بخش قبل توجهی از آن از راه محاسبات ریاضی محقق می‌گردد - می‌توان شرایط دموکراتیک‌تر و آزادتری را برای رأی‌دهندگان تدارک دید.

چنان‌که در فوق گفته شد، پژوهش حاضر مبتنی بر فرضیه چگونگی تعریف بعض ملاحظات و دغدغه‌های ماهیتاً کیفی به منظور تزریق آن‌ها در دل طیفی از متغیرهای کمی نهفته در بستر نوع معینی از نظام‌های انتخاباتی است. از آن‌جا که تعیین عددی، ذاتی هر دستگاه انتخاباتی است و متغیرهای کیفی محل ادعا نیز لاجرم باز بیان عددی خواهند یافت، تحلیل کمی فرضیه گریزناپذیر است.

همان‌طور که می‌دانیم، یکی از شیوه‌های شناخت الگوهای ممکن علت و معلولی، استفاده از روش پژوهش همبستگی است. آماره‌های همبستگی مختلفی برای برآورد قدرت پیش‌بینی رابطه علی وجود دارد. آماره‌های همبستگی دومتغیره<sup>۱</sup> هنگامی در تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد که در پیش‌بینی‌ها و رابطه‌های مورد بررسی، دو متغیر وجود داشته باشد [۱۵، ص ۷۰۴]. در شیوه تکراری قابل انتقال نیز دو متغیر وجود دارد: (۱) تعداد آرای مأخوذ توسط هر حزب؛ (۲) تعداد کرسی‌های پارلمانی که به هر حزب تخصیص می‌یابد.

واقعیت این است که در این روش، بین تعداد آرا و کسب کرسی‌های پارلمانی هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد. همان‌طور که می‌دانیم هرچه تعداد عناصر جامعه آماری به سوی عددی بزرگ میل کند، توزیع آماری جامعه به سمت توزیع نرمال میل خواهد کرد. حال با توجه به این‌که یکی از ویژگی‌های مهم جامعه آماری این است که

---

1. bivariate correlational statistics

اگر ضریب همبستگی صفر باشد می‌توان استقلال متغیرها از هم را نتیجه گرفت، در جامعه انتخاباتی که به روش تکراری قابل انتقال برگزار می‌شود، دو متغیر مذکور در فوق بیش‌ترین اهمیت را خواهند داشت. در روش تکراری قابل انتقال، ضریب همبستگی میان تعداد آرای مأخوذ به نفع حزب و تعداد کرسی‌های پارلمانی‌ای که یک حزب مفروض کسب کرده، عملاً عددی نزدیک به صفر است. حال با توجه به نرمال بودن جامعه آماری [۱۶، ص ۴۳۸] محل بحث می‌توان استقلال هر دو متغیر را نتیجه گرفت<sup>۱</sup> و این چنین است که به جرأت می‌توان ادعا کرد که مقصود غایی طراحان نظام رأی‌دهی ترجیحی و تبعاً نظام حقوق اساسی استرالیا، فراهم آوردن پاسخی برای پرسش فوق است. در حقیقت، نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی را باید بازتاب شکلی دلمشغولی چگونگی حمایت از ایالات کوچک‌تر (حقوق اقلیت) در برابر اکثریت عددی ایالات بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر دانست [۹، ص ۸۰].

## ۵. تکوین و توسعه نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی

پاره‌ای از تحلیلگران، نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی را تطّور منطقی و صورت متکامل نظام‌های انتخاباتی دو مرحله‌ای و حذفی می‌دانند [۱۷، ص ۶۳]. در حقیقت، نظام‌های رأی‌دهی دو مرحله‌ای و ترجیحی، دو روی یک سکه‌اند. عمده‌ترین شیوه برای از بین بردن نقاط ضعف نظام دو مرحله‌ای که وابسته به خانواده نظام‌های اکثریتی است، آن است که مرحله اول و دوم انتخابات در یک دور برگزاری انتخابات با هم تلفیق شود [۱، ص ۱۳۱]. نقطه مشترک هر دو شیوه آن است که رأی‌دهندگان می‌توانند حداقل دو گزینه برای انتخاب داشته باشند. در حقیقت، نظام رأی بدیل، مبتنی بر همان منطق نظام دو مرحله‌ای است، جز آن‌که در رأی‌دهی ترجیحی (رأی بدیل)، ساختار خاص و منحصر به فرد برگه رأی، ضرورت برگزاری دور دوم را مرتفع می‌سازد. گسترش

---

۱. حائز توجه است که براساس قانون قوی اعداد بزرگ در مبحث احتمال، جامعه‌ای با مشخصات جامعه انتخابات، همواره یک جامعه نرمال است.

شیوه‌هایی که هم اکنون در گروه نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی قرار گرفته، بر پایه همین ایده بنیادی استوار است - همان ایده‌ای که از آن به‌عنوان نوآوری بزرگ اصلاحگران نظام‌های انتخاباتی در بریتانیا یاد شده است [۱۸، ص ۱۵]. آرایش خاص برگه رأی در شیوه‌های رأی‌دهی ترجیحی باعث می‌شود که انتخاب رأی‌دهندگان، برون‌دادی فراتر از رأی هر نوع انتخاب بی‌پیرایه و نامشروط [۱۹، ص ۲۹] از میان داوطلبان، احزاب و گروه‌های شرکت‌کننده در انتخابات باشد. هر عددی که در مقابل نام داوطلبان درج می‌شود، تاس دو لبه اولویت‌بندی و گزینش نهایی داوطلبان را در یک آن بر زمین بازی می‌نهد. بنابراین، می‌توان گفت که کلیدی‌ترین نکته نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی، احداث سیستماتیک ساختمانی متراکم از آرای رأی‌دهندگان است که مصالح و اجزای سازنده آن، رتبه‌بندی‌های واجد اولویت‌یابی انتخاب‌شوندگان است - داوطلبی بیش‌ترین امتیاز مسابقه را به دست می‌آورد که بالاترین مرتبه مرجح را از آن خود کرده باشد.

نقش ایهام‌آمیز اعداد در این شیوه باعث می‌شود که رأی‌دهندگان آزادی و ابتکار عمل بیش‌تری را برای پر کردن برگه رأی به دست آورند. اگر بگوییم که انگیزه عملی ابداع شیوه‌های رأی‌دهی ترجیحی، درست در همین نقطه با شیوه‌های دو مرحله‌ای و حذفی متناظر است، سخنی به‌گزار نیست. در حقیقت نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی را می‌توان وجه تصریفی منطق نهفته در ذات نظام‌های رأی‌دهی دو مرحله‌ای دانست. از همین زاویه، تحلیل‌های سیاسی و مباحث دانشگاهی پیرامون نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی غالباً در ادامه مباحث راجع به شیوه‌های دو مرحله‌ای و حذفی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. منطق نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی، عملگرایی است. این سیستم بیش از آن‌که مبتنی بر فرضیات استوار نظری باشد، پیش از هر چیز، حامل ملاحظات و کارکردهای معین عملی است.

در شیوه‌های رأی بدیل ویا تکراری قابل انتقال و به‌طور کلی، تمام انواع نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی، در مقایسه با دیگر شیوه‌های انتخاباتی، حجم، کیفیت و داده‌های

پالوده‌تری از سلیق رأی‌دهندگان قابل استخراج است. از همین رهگذر، بازتاب طیف‌های متنوع‌تری از علایق و سلیق سیاسی، قومی و ایدئولوژیک را در نتایج نهایی حاصل از این نظام‌ها می‌توان ردگیری کرد. بر همین اساس، دعوی مراعات تام و کمال اصل تناسبی بودن به‌عنوان یکی از اصول محترم و به رسمیت شناخته شده نهاد انتخابات، عمدتاً در این نظام‌ها مطرح می‌شود. شاید به همین دلیل است که احزاب بزرگ و در اکثریت استرالیا، تمام مساعی و انگیزه‌های راهبردی خود را صرف پیگیری و برنامه‌ریزی برای جذب اولویت‌های انتخاباتی طرفداران احزاب در اقلیت و کوچک می‌کنند. اما از آن‌جا که احزاب اقلیت نیز می‌توانند آرای محدود و در عین حال تأثیرگذار خود را به سوی یکی از احزاب بزرگ سرازیر کنند، فرصتی برای چانه‌زنی و فشار بر احزاب بزرگ به دست می‌آورند [۲۰، ص ۵۵۶] و به همین دلیل، اهمیت و تأثیرگذاری احزاب در اقلیت دو چندان می‌شود.

به هر حال، ویژگی‌های دیگری در نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی وجود دارد، از جمله انعطاف‌پذیری قابل ملاحظه آن. دستاوردهایش، دارا بودن سنجه‌های انعطاف‌پذیری، ابتکار و آزادی عمل و در همان آن، مسؤلیت‌پذیری هرچه بیش‌تر انتخاب‌کنندگان که شاید از این جهت با هیچ نظام انتخاباتی دیگری قابل مقایسه نباشد. حقوق انتخاباتی استرالیا (نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی به معنای اعم) در مقایسه با دیگر دستگاه‌های انتخاباتی، مسؤلیت به‌مراتب سنگین‌تری را بر دوش رأی‌دهندگان قرار می‌دهد. ویژگی اجبار که آشکارا و نهان در فرایندهای انتخاباتی استرالیا وجود دارد، مسؤلیت انتخاب‌کنندگان را دوچندان می‌کند. وصف اجبار در نظام انتخابات استرالیا از دو جهت حائز اهمیت است: نخست نه‌تنها افراد واجد صلاحیت رأی‌دهی، ملزم و مجبور به ثبت نام برای شرکت در انتخابات هستند، بلکه موظفند در اماکن رأی‌گیری نیز حضور یابند [۹، ص ۸۴]؛ هرچند خود عمل رأی دادن ضروری و اجباری نیست. دوم شرایط و الزامات مربوط به اعتبار و رسمیت یافتن برگه رأی است. برای قابل شمارش بودن برگه رأی در چرخه شمارش آرا، برگه رأی اصطلاحاً باید معتبر و رسمی باشد. برگه

رأی در صورتی اعتبار رسمی خواهد داشت که رأی‌دهنده همه اولویت‌های مدنظر خود را براساس دستورالعمل‌ها و مقررات انتخاباتی (مانند پرکردن تمام گزینه‌های مندرج در برگه رأی‌دهی در شیوه رأی بدیل) پر کند. خصوصیت اجبار در دستگاه انتخابات استرالیا، بازتاب‌دهنده فرهنگ سیاسی آن کشور است که ظاهراً هدف غایی آن، تقویت و ترویج هرچه بیشتر تعامل سیاسی، افزایش بهره‌وری سیاسی و در نتیجه تأکید بر ایفای وظایف شهروندی است. به هر حال، با وجود آن‌که حمایت از دستگاه انتخابات در استرالیا برخوردار از پایگاه مستحکم اجتماعی است، همچنان عدم شرکت غیرموجه شهروندان در انتخابات، جرم محسوب است.

با این همه، در مدعای بنیادین این دستگاه انتخاباتی، تناقضی هرچند ظریف، اما در عین حال اساسی وجود دارد. همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین وجه تمایز نظام رأی بدیل، مرتبه‌یابی داوطلبان به موجب اولویت‌بندی مرجع رأی‌دهندگان است؛ اما کارکرد عملیاتی این دستگاه به‌گونه‌ای است که اتصاف به نمایندگی مردم، عملاً از مجرای اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌هایی است که احزاب تعیین می‌کنند. تبلور عینی این وضعیت را می‌توان در انتخابات پارلمانی استرالیا مشاهده کرد. به کارگیری داوطلبان از سوی احزاب و در نهایت انتخاب آنان از سوی رأی‌دهندگان، مبتنی بر ملاک‌هایی است که پیش از هر چیز دیگر، تابع ملاحظات و تمایلات خاص احزاب در فرهنگ سیاسی- انتخاباتی کشور مفروض است. درست است که چنین وضعیتی موجبات اشاعه و تقویت تحزب در فرهنگ سیاسی را فراهم می‌آورد، اما به سهل و روا نیز می‌توان ادعا کرد داوطلبانی که در این نظام انتخاباتی به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شوند، بیش از آن‌که در پی پاسخ‌گویی و رفع نیازهای موکلان خود باشند، مایل به برآوردن خواسته‌ها و تمایلات حزب متنوع خواهند بود. ایراد دیگر این دستگاه، پیچیدگی بیش از اندازه آن است. پیچیدگی غیر قابل مقایسه نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی با دیگر نظام‌ها، در تعارض آشکار با خصوصیت بنیادین و بایسته سادگی و سهولت دسترسی برای هر دستگاه انتخاباتی است. این پیچیدگی تقریباً در تمام زوایای این دستگاه قابل مشاهده است. مدعای عمده نظام‌های ترجیحی، تکررگرایی و هم افزایی

مشارکت مدنی از طریق آن نوع شیوه‌های انتخاباتی است که حداکثر تکثر قابل دسترس برای انتخاب‌کنندگان را فراهم خواهد آورد و از همین جا است که اساس این سیستم، متناقض‌نما است - مهم‌ترین امتیاز آن، جدی‌ترین عیب آن است. هر رأی‌دهنده باید به ضرب اجباری نظام‌مند، بخت پیروزی دو داوطلب رقیب را به نحوی شایسته - که البته برای هر رأی‌دهنده متعارف تقریباً غیرممکن است - حدس بزند؛ چه در غیر این صورت، آزادی سیاسی و تعیین‌کنندگی حق رأی او دستخوش انتخابی کور و ناآگاهانه خواهد شد که نتیجه آن، انهدام انضمامی و سیستماتیک حق تعیین سرنوشت است.

## ۶. نتیجه‌گیری

به جرأت می‌توان مهم‌ترین عاملی را که در دهه نود میلادی منجر به گسترش و بازپخش دستگاه انتخاباتی استرالیا در دنیا شد، فروپاشی دیوار برلین و شکلگیری موج جدید دموکراسی‌خواهی دانست. فروپاشی دیوار برلین و وقایع پس از آن، گفتمان انتخابات را دستخوش تغییر پارادایمی کرد. همان‌طور که می‌دانیم یکی از آثار تحولات سیاسی دهه نود، ظهور پدیده بین‌المللی‌سازی مساعدت‌های انتخاباتی<sup>۱</sup> است. جذابیت فزاینده نظام‌های رأی‌دهی ترجیحی در آن سال‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در گزینش دستگاه‌های انتخاباتی در سرتاسر دنیا ایفا کرد. جنب و جوشی که در آن سال‌ها برای تدارک و تدوین قانون‌های اساسی جدید به راه افتاد، مباحث بغرنج و پردامنه‌ای را به ارمغان آورد که بدون تردید، گزینش از میان اشکال متنوع نظام‌های انتخاباتی و در نهایت، برگزیدن از میان مدل‌های دموکراسی برای کشورهای نوظاسته، چالش برانگیزترین آن‌ها بود. از آن پس، اشکال متنوع و متفاوت رأی‌دهی ترجیحی از سوی بسیاری از کشورهای دنیا اقتباس شده است [۲۱، ص ۲۵۸]. برخی از کشورهای حوزه بالتیک نیز اولین انتخابات پس از فروپاشی شوروی را با تلفیقی از روش‌های رأی بدیل و تکراری قابل انتقال برگزار کردند. استونی اولین انتخابات

1. internationalization of electoral assistances

پس از عصر سرد را به شیوه تکراری قابل انتقال برگزار کرد. باری اقتباس استونی از دستگاه رأی‌دهی ترجیحی که در واقع، نخستین کشوری است که بدون هرگونه میراث‌داری استعمار بریتانیا و سنت فرهنگ پارلمانی وست‌مینستر از آن دستگاه سود می‌جوید، نشان می‌دهد که جریان‌های جدید و دورانساز دنیای امروزین ما، با جاری شدن از جویبار ساختارهای<sup>۱</sup> نوین عصر اطلاعات در کالبد نهادهای سیاسی پراکنده در جامعه جهانی، بر هر گونه گزینش نهادین نظام‌های انتخاباتی نیز تأثیرگذار خواهند بود و هم اکنون ما در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که نفوذ و تأثیر رویدادهای دوردست بر رخدادهای نزدیک‌تر [۲۲]، ص ۱۹] که می‌توان آن را دیالکتیک محلی و جهانی نامید، حتی بر خصوصی‌ترین گوشه‌های زندگی بشر، بیش از پیش به صورت پدیده‌ای رایج در می‌آید.

## ۷. منابع و مأخذ

- [۱] رینولدز، آندرو، رایلی، بن، الیس، آندرو و دیگران، *دانشنامه نظام‌های انتخاباتی*، ترجمه ابوزر رفیعی قهساره، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
- [۲] بهبودیان، جواد، *آمار و احتمال مقدماتی*، چ ۳۶، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹.
- [3] Bouyssou, Denis, Didier Dubois, Henri prade and Marc Pirlot, *Decision Making Process: Concepts and Methods*, John Wiley & Sons, London, 2010.
- [4] Handley, Lisa, *Delimitation Equity Project Resource Guide*, IFES, 2006.
- [5] Grofman, Bernard and Arend Lijphart, *Electoral Laws and Their Political Consequences*, Agathon Press, New York, 2003.

---

1. mechanism



- [6] Federal election results 2004, [http://www.aec.gov.au/About\\_AEC\\_Publications/Newsfiles/2005/files/124/2004\\_results\\_guide.pdf](http://www.aec.gov.au/About_AEC_Publications/Newsfiles/2005/files/124/2004_results_guide.pdf)
- [7] Federal election results 1998, [http://www.aec.gov.au/About\\_AEC/publications/Newsfiles/1998/No\\_79.htm](http://www.aec.gov.au/About_AEC/publications/Newsfiles/1998/No_79.htm), visited at: 11/3/2011.
- [8] Attorney-General's Report to Cabinet on Optional Preferential Voting in Queensland, 16Feb 2011.
- [9] Gallagher, Michael and Paul Mitchell, *The Politics of Electoral Systems*, Oxford University Press Inc. New York, 2005.
- [10] Giannetti, Daniela, *A Natural Experiment on Electoral Law Reform: Evaluating the Long Run Consequences of 1990s Electoral Reform in Italy and Japan*, Springer Science+Business Media, LLC, 2011.
- [11] Gardiner, Greg, «Election 2006: the Proportional Representation counting system for the Legislative Council», *D Brief*, no. 5, 2006, Research Service, Parliamentary Library, Parliament of Victoria, <http://www.parliament.vic.gov.au/publications/research-papers/703-election-2006-the-proportional-representation-counting-system-for-the-legislative-council/download>; visited at: 11/3/2011.
- [۱۲] امیددی، علی، نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن، ج ۲، چ ۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۴.
- [13] Federal election results 1949–2004, <http://202.14.81.230/Library/pubs/rb/2004-05/05rb11.pdf>, visited at: 11/3/2011.
- [۱۴] امیددی، علی، «گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲، تابستان ۱۳۸۷.
- [۱۵] گال، مردیت و دیگران، روش‌های تحقیق کمی و کیفی، به اهتمام احمدرضا نصر،

- ج ۲، چ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و سمت، ۱۳۸۶.
- [۱۶] قهرمانی، سعید، مبانی / احتمال، ترجمه غلامحسین شاهکار و ابوالقاسم بزرگ‌نیا، چ ۴، تهران، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف و مؤسسه انتشارات علمی، ۱۳۸۵.
- [17] Sartori, G., *Comparative Constitutional Engineering: An Inquiry into Structures, Incentives and Outcomes*, Macmillan, London, 1994.
- [18] Rokkan, S., *Electoral Systems*, in D. L. Sills (ed.), *International Encyclopedia of the Social Sciences*, Macmillan and the Free Press, New York, 1968.
- [19] Reilly, Benjamin, *Democracy in Divided Societies: Electoral Engineering for Conflict Management*, Cambridge University Press, 2003.
- [20] Sharman, C., A.M. Sayers and N. Miragliotta, «Trading party preferences: the Australian experience of preferential voting», *Electoral Studies*, Volume 21, Number 4, December 2002, pp. 543-560(18).
- [21] Reilly, Benjamin, «The Global Spread of Preferential Voting: Australian Institutional Imperialism?», *Australian Journal of Political Science*, Vol. 39, No. 2, July, 2004.
- [۲۲] گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، چ ۵، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷.